

حتی ارز هم به حساب‌شان نشسته و طی سهمه‌ها قرار بود ماده اولیه رایبه ایران بدهند. این موضوع به سال‌های ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۱ که تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا بود، مربوط است، اما اتفاقی که الان در حال رخ دادن است، بسیار سخت‌تر و پیچیده‌تر است.»

او می‌گوید گروهی برای اینکه در دل مردم ترس ایجاد نشود، می‌گویند تحریم‌ها اثری ندارد و قبلاً تأثیر خود را نشان داده است، اما این بیماران تالاسمی بودند که رنج ناشی از تحریم را تحمل کردند: «از سال ۱۳۹۷ که تحریم‌های آمریکا برگشت، این ما هستیم که می‌دانیم وقتی یک شرکت معتبر اروپایی یک کیسه خون به ما ندهد، چه اتفاقی رخ می‌دهد. ما می‌دانیم اگر یک شرکت معتبر، فیلترهای کم‌لکوسیت به ما ندهد، درواکنش‌های خونی چه بالایی سر بیماران می‌آید، این ما هستیم که می‌دانیم وقتی دارو به بیمار نرسد، چه تلفات انسانی‌ای اتفاق می‌افتد.»

آنطور که مدیرعامل انجمن تالاسمی توضیح می‌دهد، قبل از سال ۹۶، میزان مرگ‌ومیر سالیانه بیماران تالاسمی در ایران ۲۵ تا ۳۰ مورد بود، اما امروز این رقم به ۳۰۰ مورد در سال رسیده است: «ما در سال‌های اخیر به‌صورت تصاعدی با افزایش شدت مرگ‌ومیر در میان جمعیت بیماران تالاسمی روبه‌رو بودیم. این آمار در سال گذشته نسبت به سال ۱۴۰۲، ۱۰ درصد افزایش داشته است و دلیل آن هم قطع درمان توسط بیماران، عوارض برخی داروهای تولید داخل، مشکلات درمانی و عقب‌ماندن آن در زمان‌های روز دنیاست. در مجموع بخش زیادی از آمار هم ناشی از تأمین‌نشدن به‌موقع و کافی داروهای با کیفیت برای بیماران است. این آثار وحشتناک سلاح نافرمی تحریم است که بیماران ما را هدف قرار داده است و از مناطق محروم هم شروع کرده و به پایتخت سرایت کرده است.»

عرب توضیح می‌دهد که ممکن است بر خی سیاست‌گذاری‌های حوزه درمان هم نادرست باشد، اما تحریم چالش‌های بیماران را در سازمان غذا و دارو و وزارت بهداشت افزایش داده است و آنها روندی‌های سخت‌گیرانه‌تری را برای تهیه دارو طی می‌کنند: «بیماران باید داروها را با چندبرابر قیمت بیشتر تهیه کنند. با این شرایط ما آینده خوشی را تصور نمی‌کنیم و فکر می‌کنیم که شرایط برای بیماران سخت‌تر خواهد شد.» مدیرعامل انجمن تالاسمی از ناگافی بودن واردات داروهای خارجی تالاسمی می‌گوید و توضیح می‌دهد که چرا نیاز بیماران به این داروها بیشتر از داروهای تولید داخل است: «روز گذشته در مرکز کودکان بیمارستان بهرامی و هم‌زمان با افتتاح بخش تالاسمی و هموفیلی، مسئول پرستاری بخش تالاسمی این بیمارستان گفت، به داد بیماران تالاسمی برسید؛ ما ۱۶۰ بیمار داریم ولی ۴۰۰ عدد آمپول خارجی دریافت می‌کنیم، درحالی‌که این ۴۰۰ آمپول برای چهار بیمار کفایت می‌کند. این یک نمونه از نسبت تعداد بیمار به سهمیه‌ای است که به‌دست آنها می‌رسد. باقی بیماران یا دارویی مصرف نمی‌کنند یا داروهای تولید داخل را مصرف می‌کنند و به‌نحوی در مضیقه شدید تأمین دارو قرار دارند. اگر تحریم دوباره برگردد، معادله‌های تأمین دارو از رویا بسیار سخت‌تر و نزدیک به غیرممکن می‌شود. یک شرکت جدید آمریکایی که تولیدکننده این داروهاست، از فروش آنها به ما خودداری کرد. ما تلفن می‌زدیم و می‌گفتیم، داروی شما را برای بیماران ایرانی می‌خواهیم، یک شرکت ایرانی هم درخواست نمایندگی آنها را مطرح کرد اما نمی‌پذیرفتند و تلفن را قطع می‌کردند. تجهیزات پزشکی موردنیاز برای تزریق داروها در منزل، مثل پمپ دسفرال را هم به ما ندانند و بیش از هفت‌سال است که پمپ‌های دسفرال این شرکت آمریکایی وارد کشور ما نشده است.» عرب از نگرانی جامعه بیماران تالاسمی می‌گوید که در صورت اعمال تحریم‌های جدید، داروهای نسل جدید و های‌تک قطعاً به ایران نمی‌رسد و آنها از در مان‌های به‌روز تالاسمی در دنیا عقب می‌افتند. او توضیح می‌دهد که پنج درصد تأمین نیاز داروهای بیماران تالاسمی از داروهای خارجی است و باقی آن داخلی است: «حداقل ۴۰ درصد بیماران ما امکان مصرف داروهای تولید داخل را ندارند به‌دلیل کیفیت و اینکه مدت‌ها از داروی خارجی وارداتی استفاده می‌کردند و بدن‌شان به داروی داخلی پاسخ نمی‌دهد. عمده داروهای تالاسمی که وارد کشور می‌شود از کشور سوئیس است و بخشی را هم فایز تا‌مین می‌کند. نام این دارو فروگس‌کامبین فایز است و این شرکت حاضر نشد به‌صورت رسمی آن را در فهرست داروهای ژنریک ایران ثبت کند و به‌همین دلیل به صورت فوریتی به ایران وارد می‌شود. در بسیاری از داروهای جدید مانند «ربلوزین» که جایگزین تزریق خون است هم این مشکل را داریم. این دارو تولید یک شرکت آمریکایی است و می‌گوید به‌هیچ‌وجه به ایران دارو نمی‌دهیم.»

مدیرعامل انجمن تالاسمی نیاز این بیماران به داروی تزریقی را سالیانه ۱۰ میلیون ویال و نیاز به داروی خوراکی ۱۲ میلیون قرص در سال اعلام می‌کند و می‌گوید، از تعداد قرص‌های مورد نیاز سالیانه ۷۰۰ هزار تا یک میلیون عدد وارد می‌شود: «ماهیانه حدود ۳۰۰ هزار آمپول مصرف می‌شود. از این رقم، ۱۰۰ هزار عدد آمپول خارجی است که فقط تا پنج‌ماه آینده امکان تأمین آن وجود دارد. حدود ۲۰۰ هزار عدد از آن هم با داروهای ایرانی تأمین می‌شود و همچنان باقی میزان دارویی که باید در دسترس بیمار قرار بگیرد را نداریم. داروی ایرانی‌ای که بیماران دریافت می‌کنند، سهمیه ندارد و فقط داروی خارجی سهمیه دارد که وضعیت توزیع آن فاجعه است. سال گذشته حدود یک میلیون و ۷۰۰ هزار آمپول وارد شد اما به‌دلیل تأخیر در واردات آن، بخشی از آن به امسال رسید.» آنطور که او توضیح می‌دهد، میزان تولید داروی داخلی هم این کمبود را جبران نمی‌کند و بسیاری از بیماران به‌دلیل نارضایتی از کیفیت برخی از اقلام داروهای تولید داخل، قطع درمان کرده‌اند: «برخی از بیماران حاضرند در مان خود را قطع کنند ولی دارویی مصرف نکنند. هر بیمار برای خرید هر یک عدد آمپول خارجی باید هفت‌هزار تومان هزینه کند که در ماه به ۷۰۰ هزار تومان می‌رسد؛ درحالی‌که بیماران خاص نباید برای تأمین دارو هزینه‌ای پرداخت کنند. علاوه بر این اخیراً موضوع قرار دادن داروهای بیماران خاص را در تالار دوم و ارز بین ۷۰ تا ۸۰ هزار تومان مطرح می‌کنند که در صورت اجرا، شاهد

افزایش شدید پرداختی از جیب بیمار خواهیم بود. در زمان مخالفت با ارز ۴۲۰۰ تومانی، دو موضوع را هم مطرح می‌کردیم؛ اینکه تأمین ریال برای شرکت‌ها غیر ممکن می‌شود و پرداخت از جیب بیماران، کنترل نخواهد شد که هر دو مورد هم اتفاق افتاد.»

#### ▼ از حال گرابی تا شورش گرسنگان

«حال گرابی» وضعیتی است که به گفته «سهمیه توحیدلو»، جامعه‌شناس اقتصادی در سال‌های اخیر جامعه ایران بیش از هر زمان دیگری با آن روبه‌رو شده است؛ وضعیتی که نه تنها ریشه در بحران‌های اقتصادی و تورم مزمن دارد، بلکه از دل شرایط سیاسی و امنیتی هم تغذیه می‌شود.

اوبه «هم‌میهن» می‌گوید به‌لحاظ اقتصادی الان در شرایطی قرار داریم که، نه جنگ است، نه صلح و پیش از جنگ هم این وضعیت وجود داشت؛ وضعیتی که عملاً اقتصاد کشور را به‌شدت دستخوش تغییر کرده بود: «پس از جنگ هم تجربه تورم بالا، سالیان طولانی ادامه یافت. با وقوع جنگ، بخش زیادی از آینده‌ای که به‌نوعی نامعلوم بود، نامعلوم‌تر شد. به‌بیان دیگر جامعه درگیر حال گرابی شد؛ وضعیتی که در آن تنها امکان زیستن در لحظه وجود داشت. افق دید کوتاه‌تر شد و هر تصمیمی بیشتر به مسائل آنی توجه داشت. در نتیجه جامعه از امور آتی کاملاً باز ماند.» به گفته توحیدلو، جامعه‌ای که گرفتار حال گرابی می‌شود، نسبت به گذشته خود هم تا حدودی بدبین خواهد بود و نقدهای منصفانه و عقلانی نسبت به گذشته کمتر شکل می‌گیرد: «دلیل این امر شرایط خاصی است که جامعه در آن قرار دارد. هم‌زمان، چنین جامعه‌ای نسبت به آینده هم ناتوان می‌شود؛ به این معنا که نمی‌تواند هیچ برنامه‌ریزی و پیش‌بینی‌ای برای آینده انجام دهد. بنابراین بسیاری بر این باورند که جوامع گرفتار حال گرابی، عملاً امکان پیشرفت و توسعه را از دست می‌دهند. زیرا هر نوع برنامه‌ریزی برای توسعه، چه فردی، چه اجتماعی و چه در ابعاد کلان اقتصادی-اجتماعی، از میان می‌رود.»

توحیدلو می‌گوید، حال گرابی در این شرایط خود را به اشکال مختلف نشان می‌دهد: «گاه به‌صورت تبلیغ، گاه در قالب انواع مهاجرت‌ها. مهاجرت به درون، که معادل بی‌انگیزگی، انزوا، افسردگی و زوال روابط فردی در عرصه‌های بین‌افردی است و مهاجرت به بیرون، یعنی تلاش کسانی که می‌خواهند آینده‌ای برای خود بسازند و شرایطی بهتر برای فردا داشته باشند. آنان گمان می‌کنند در سیستم و زیست‌بوم اجتماعی جامعه امکان پیگیری و تحقق این خواسته وجود ندارد.»

ایسن جامعه‌شناس معتقد است چنین روندی جامعه را در چرخه‌ای معیوب گرفتار می‌کند؛ چرخه‌ای که خروج از آن صرفاً به افراد، کنشگران و حتی نهادهای مدنی مربوط نمی‌شود. به گفته او، خروج از این وضعیت وابسته به سیاست‌های کلانی است که مردم بر آن هیچ اثرگذاری‌ای ندارند: «مردم نمی‌توانند تصمیم بگیرند که مذاکره‌ای صورت گیرد یا نگیرد، درباره انرژی هسته‌ای چه اتفاقی بیفتد، یا جنگ بشود یا نشود. مردم عملاً در منفعل‌ترین شکل ممکن قرار دارند و همه این عوامل به تشدید حال گرابی می‌انجامد.» توحیدلو می‌گوید، این وضعیت حال گرابی به نوعی یأس عمومی منجر شده است؛ یأسی که به یک وضعیت مداوم تبدیل شده و اکنون شدت بیشتری یافته است؛ چه ما درگیر جنگ باشیم، چه نباشیم: «گویی وقتی جنگی رخ می‌دهد، جامعه ناگزیر از کنش و خروج از انفعال است. همین حرکت و همدلی، تفسیری از انسجام اجتماعی پیدامی‌کند، چون از انفعال خارج شده است. اما هنگامی که رویداد و کنششی رخ نمی‌دهد، انفعال سرریز می‌شود و بر زندگی فردی، جریان اجتماعی و تمام بخش‌های حیات جامعه اثر می‌گذارد.»

این جامعه‌شناس معتقد است، هم در عرصه اقتصادی و هم در عرصه اجتماعی، ما به‌شدت درگیر وضعیتی هستیم که عوامل اقتصادی بسیار جدی دارد و اثرات بلندمدتی بر جای می‌گذارد: «حتی اگر فرض کنیم که یک‌شنبه همه مسائل ناشی از جنگ و دیگر مشکلات حل شود، حال گرابی به این سرعت از میان نخواهد رفت. زیرا این وضعیت ریشه‌هایی دارد که در بلندمدت در فضای اجتماعی شکل گرفته و حل آن هم، حتی اگر اراده‌ای برای آن وجود داشته باشد، فرآیندی بلندمدت خواهد بود.»

به گفته توحیدلو، این حال گرابی به‌تدریج به عصبانیت عمومی منجر شده است: «در واقع این وضعیت به خشم عمومی انجامیده است. می‌توان گفت خشم و عصبانیت، محصول مستقیم استیصال است و هر چه جامعه بیشتر به سمت استیصال برود، به خشم نزدیک‌تر می‌شود. اما اینکه این خشم چگونه بروز یابد، وابسته به عوامل بسیاری است؛ وضعیت امنیتی جامعه، نسبت جامعه با نیروهای بیرونی و حتی کنش کسانی که در جنگ یا تنش‌های سیاسی، این فضا را تشدید می‌کنند و از مردم می‌خواهند خشم خود را بروز دهند. این عوامل همگی به‌عنوان مؤلفه‌های اجتماعی اثرگذار عمل می‌کنند.»

بالین حال توحیدلو معتقد است، آنچه در علوم اجتماعی تحت عنوان «شورش گرسنگان» یا «عصیان گرسنگان» شناخته می‌شود، در جامعه ایران واقعیت متفاوتی دارد: «جامعه ایران، تجربه‌هایی مانند سال ۱۳۹۶ را پشت‌سر گذاشته است. هر چند آن تجربه هم تا حدودی دستکاری شده بود- اما عموماً اعتراضات در ایران بیش از آنکه صرفاً به‌دلیل گرسنگی یا فقر باشد، با مطالبه عدالت و کرامت همراه بوده است. نمونه‌های تاریخی متعددی وجود دارد؛ از فحطی‌های بزرگ که حتی جمعیت تهران را به نصف کاهش داد تا رخدادهای معاصر. با وجود این، مردم ایران بیش از آنکه صرفاً برای نان مطالبه‌گری کنند، عدالت را مطالبه کرده‌اند.»

به‌همین دلیل به‌نظر این جامعه‌شناس، ظهور و بروز اعتراضات اجتماعی در ایران بیش از آنکه مستقیماً ناشی از گرسنگی، گرانی یا تورم باشد، از مسائل معنوی‌تر و مفاهیمی چون عدالت اجتماعی و کرامت انسانی آغاز می‌شود: «جنبش‌های سال‌های اخیر هم نمونه‌هایی از این وضعیت‌اند. البته در ادامه، طبقات فرودست هم



مجید صفاری‌نیا  
روان‌شناس اجتماعی:

**این درماندگی  
اغلب به افسردگی  
و مرگ‌های ناشی  
از ناامیدی منجر  
می‌شود. پدیده‌ای که  
امروز در ایران  
مشاهده می‌کنیم.  
مرگ‌های ناگهانی  
در سنین ۴۵ یا ۵۰  
سالگی که علت  
اصلی آن ناامیدی  
و ناتوانی در کنترل  
رویدادهاست.  
وزارت بهداشت  
آمار رسمی از این  
پدیده ارائه نمی‌دهد،  
اما به‌وضوح با آن  
مواجه‌ایم**

یکشنبه ۳۰ شهریور ۱۴۰۴  
سال چهارم - شماره ۸۸۵  
www.hammihanonline.ir

به این اعتراضات می‌پیوندند و حتی ممکن است شعارها دستخوش تغییر شوند، اما خاستگاه اصلی حرکت، بر محور مفاهیم معنوی و اجتماعی شکل می‌گیرد. معمولاً چنین اعتراضاتی با یک رخداد یا رویداد آغاز می‌شوند.»

او می‌گوید باتوجه به فشارهای اقتصادی و اجتماعی، احتمال بروز اعتراضات در جامعه امروز ایران همچنان وجود دارد: «بالین حال تجربه نشان داده است که در بسیاری مواقع کسانی که چیزی برای از دست‌دادن دارند، معترض‌تر و فعال‌تر هستند. افرادی با اندکی انگیزه بیشتر، آغازگر اعتراضات‌اند. هنگامی که جامعه به‌سمت افسردگی و بی‌انگیزگی مطلق می‌رود، این بی‌انگیزگی حتی شامل اعتراض هم می‌شود. به‌همین دلیل یکی از نکاتی که در برابر نظریه «شورش گرسنگان» مطرح می‌شود، این است که طبقات بسیار فرودست چنان منفعل می‌شوند که امکان اعتراض نسبت به وضعیت خود را هم از دست می‌دهند.»

به گفته توحیدلو، در فضای کنونی ایران-با وجود همه سختی‌ها، با وجود سه میلیون نفر زیر خط فقر مطلق و با وجود مشکلات فراوان - آنچه اهمیت دارد این است که طبقه متوسط یا طبقه‌ای که پیش‌تر متوسط بود و اکنون به طبقه ضعیف فروغلتیده، بیش از همه ظرفیت اعتراض و کنشگری را دارد؛ نه طبقات پایینی که درگیر زیستی سخت و خشن‌اند.

#### ▼ تاب‌آوری در برابر بحران‌ها یا تعلیق بی‌پایان؟

«حسین ایمانی‌جارمی»، جامعه‌شناس شهری و استاد علوم اجتماعی دانشگاه تهران هم معتقد است، وضعیت کنونی جامعه‌ما نیاز به مطالعات کمی و کیفی دارد. اوبه «هم‌میهن» می‌گوید، زندگی اجتماعی نیازمند میزانی از قطعیت است که افراد بتوانند تصویری از آینده داشته باشند تا زندگی خود را تنظیم کنند و اصطلاحاً برنامه‌ریزی انجام دهند. به گفته او، وضعیت کنونی جامعه‌ما که کاملاً نامعلوم یا در تعلیق است، جامعه را مختل می‌کند: «این وضعیت فرآیند زندگی را با مشکل مواجه می‌کند و پیامدهایی عاطفی، روانی، اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی به‌همراه دارد. در نتیجه وضعیت خوبی نیست و باید هر چه زودتر از آن خارج شد. این یک برآورد کلی از وضعیت است.»

جارمی می‌گوید، جامعه به میزانی از پیش‌بینی‌پذیری و مدیریت زمان نیاز دارد و اکنون چنین امکانی وجود ندارد: «افراد عادی شاید کمتر تحت تأثیر باشند، اما کسانی که فعال اقتصادی‌اند و می‌خواهند سرمایه‌گذاری کنند یا پروژه‌ای را آغاز کنند، با مشکل روبه‌رو می‌شوند. حتی در سطح زندگی روزمره هم، فردی که قصد ازدواج یا خرید خانه دارد، با مشکل مواجه است. بازار خریدوفروش را کد است؛ نه خریدی صورت می‌گیرد، نه فروشی انجام می‌شود. این رکود، موتورهای جامعه را کند می‌کند و هزینه‌هایی به‌بار می‌آورد؛ هزینه‌های روانی، اقتصادی و اجتماعی. هزینه‌های سیاسی هم جای خود را دارند، چرا که در نهایت نظام سیاسی باید پاسخگوی این مسائل باشد و بیشترین هزینه متوجه آن خواهد شد.»

به گفته این جامعه‌شناس، در اینجا پرسشی مطرح می‌شود: باتوجه به همین وضعیت پیش‌بینی‌ناپذیر و تعلیق و استیصال موجود، آیا ممکن است ما شاهد بروز شورش‌ی باشیم؟؛ «نه لزوماً شورش با‌معنای کلاسیک آن، بلکه به این معنا که طبقات فرودست یا حتی طبقه متوسط بیشتر به اعتراضات صنفی یا مردمی بپیوندند، به گونه‌ای که بی‌ثباتی وضعیت، خشم اجتماعی را به‌شکلی دیگر نمایان کند؟»

جارمی می‌گوید هنوز جامعه به مرحله خشم نرسیده است: «جامعه ایران برای نخستین بار نیست که با بحران‌های این‌چنینی مواجه است. تقریباً از سال ۱۳۵۷ تاکنون همواره با بحران‌هایی روبه‌رو بوده‌ایم؛ از تجربه جنگ هشت‌ساله گرفته تا سال‌های طولانی تحریم. همین امر نوعی تاب‌آوری ایجاد کرده است که هزینه‌های ناشی از این وضعیت را کاهش می‌دهد. وجود نظام فاه اجتماعی و پرداخت بارانه‌ها نیز به تداوم این تاب‌آوری کمک کرده است.»

بالین حال به گفته او، باید توجه داشت که فشارها ممکن است بیشتر شود: «در آن صورت، اعتراضات اقتصادی-معیشتی یا اعتراضات صنفی، به‌ویژه از سوی کسانی که کسب‌وکارشان مختل می‌شود، بروز خواهد کرد. بنابراین باید برای این گروه‌ها، فکری اندیشید. اما اینکه جامعه به‌سمت یک شورش عمومی گسترده برود، به‌نظر نمی‌رسد که زمینه‌های آن فراهم باشد.»

#### خبرسازان



## وضعیت بروز آبله‌مرغان

ماعون فنی مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت ضمن بیان وضعیت بروز آبله‌مرغان در کشور گفته است که این بیماری در ایران آندمیک است و سالانه درصدی از جمعیت، به‌ویژه کودکان، به آن مبتلا می‌شوند. حبیب‌زاده درباره وضعیت شیوع بیماری آبله‌مرغان در کشور و گروه‌های در معرض خطر آن گفت: «آبله‌مرغان در کشور ما تقریباً یک بیماری آندمیک است و بعد از یک‌سالگی کم‌کم افراد مبتلا می‌شوند؛ به‌طوری‌که در سنین یک تا پنج سال تقریباً سالانه چهار درصد افراد مبتلا می‌شوند و این روند ادامه دارد تا حدود ۴۰ سالگی که حدود ۸۰ درصد افراد در کشور مبتلا به آبله‌مرغان می‌شوند.» او درباره گروه‌های در معرض خطر آبله‌مرغان گفت: «زنان باردار، نوزادان نارس، کودکان زیر یک‌سال و افرادی که سن‌شان بالای ۱۵ سال است، بر اثر ابتلا به آبله‌مرغان می‌توانند دچار عوارض شدید شوند و به‌همین دلیل نیز از واکسیناسیون علیه این بیماری سود می‌برند.»



## مهاجرت ۱۲ هزار پژوهشگر

وزیر علوم، تحقیقات و فناوری از مهاجرت بیش از ۱۲ هزار پژوهشگر از کشور طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۲ خبر داد. حسین سیمایی‌صراف در این باره گفت: «این پژوهشگران در قالب یک پژوهشگاه یا دانشگاه خارجی بیش از ۲۸ مقاله علمی منتشر کردند که اگر این مقالات به اسم دانشگاهی از ایران منتشر می‌شد، الان رتبه علمی ۱۴ را داشتیم.» وزیر علوم با بیان اینکه مهاجرت برای کشور یک زیان است، گفت: «از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۲ ما ۱۲ هزار پژوهشگر داریم که از کشور خارج شدند. اینها کسانی هستند که در ایران تحصیل کردند. ممکن است فارغ‌التحصیلان ارشد، دکتری یا هیئت‌علمی بودند که از کشور رفتند و در یک نشریه معتبر بین‌المللی با نام یک پژوهشگاه خارجی، مقاله منتشر کردند که طی یک‌سال ۲۸ هزار مقاله منتشر کردند که اگر این تعداد مقاله با نام یک دانشگاه ایرانی منتشر می‌شد، رتبه علمی ۱۴ را داشتیم؛ درحالی‌که الان ۱۷ هستیم.» وزیر علوم به‌دلیل مهاجرت اشاره کرد و گفت: «یکی از این دلایل، اقتصادی است؛ به‌هر حال پژوهشگران هم زندگی‌ای دارند که با حمایت‌های مالی ما زندگی آن‌ها تأمین نمی‌شود، یکی دیگر از این دلایل، منزلت اجتماعی است که آنچنان‌که باید، رعایت نمی‌شود. همچنین یکی دیگر از دلایل مهاجرت؛ به جاذبیت‌های مقصد، امکانات پژوهشی و انتخاب‌های شخصی افراد بر می‌گردد.»

## فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقصه عمومی

شماره ۱۴۶/س م/۱۴۰۴

نوبت دوم



شرکت ملی نفت ایران  
شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب  
شرکت بهره‌برداري نفت و گاز گچساران (سهایی خاص)

**مربوط به خرید یک دستگاه شاسی کامیون جهت نصب تجهیزات سوخت رسان فرودگاهی با ظرفیت ۸۰۰۰ لیتر- درخواست شماره ۸۶۵۰۵-۵۵-۰۰۲**  
شرکت بهره برداری نفت و گاز گچساران در نظر دارد فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقصه خرید یک دستگاه شاسی کامیون جهت نصب تجهیزات سوخت رسان فرودگاهی با ظرفیت ۸۰۰۰ لیتر به شماره (۰۰۵۰۳۷۵۰۰۰۲۷۵۰۰۰۴۹۹۲۰۰) را از طریق تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان ارزیابی از دریافت و تحویل اسناد استعلام ارزیابی کیفی تا ارسال دعوتنامه جهت سایر مراحل مناقصه، از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

**تاریخ انتشار فراخوان در سامانه تاریخ ۱۴۰۴/۰۶/۲۲ الی ۱۴۰۴/۰۶/۲۴ می‌باشد.** اطلاعات و اسناد مناقصه عمومی پس از برگزاری فرآیند ارزیابی کیفی و ارسال دعوتنامه از طریق سامانه ستاد به مناقصه گران ارسال خواهد شد. حداقل امتیاز ارزیابی کیفی ۵۵ امتیاز می‌باشد. شرکت‌ها و موسسات دانش بنیان در مناقصات و عرضه کالاهای دانش بنیان ساخت داخل دستگاه‌های اجرایی حائز اولویت می‌باشند و همچنین کالای پیشنهادی الزماً می‌بایست از فهرست بلند منابع واحد دستگاه مرکزی وزارت نفت (AVL)تأمین گردد.

**مهلت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی تاریخ: ۱۴۰۴/۰۷/۰۶**

**مهلت ارسال پاسخ استعلام ارزیابی کیفی تاریخ: ۱۴۰۴/۰۷/۲۰**

**اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گراز: آدرس: گچساران- فلکه الله- شرکت بهره برداری نفت و گاز گچساران- تلفن: ۰۷۴-۳۱۹۲۱۵۹۵-۳۲۲۲۴۴۱۲**

**مرکز تماس سامانه ستاد: ۰۲۱-۴۱۹۳۴**

**دفتر ثبت نام سامانه ستاد: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۶۷۸**